

مارش میرا
جاده مرگ - جاده زندگی

صادق سلیموویچ
مرکز رضائیل - وحید پرست تاش



انتشارات پرنده

● مارش میرا جاده مرگ - جاده زنا - کثی
● نویسنده: صادق سلیموویچ
● مترجمان: مریم رضائیان - وحید پرست تاش



انتشارات پرنده

● مدیر هنری و طراح گرافیک: سمید صادقی ● ویراستار: سیدآیت حسین ● جلد - برزنا ● بخش: قفسوس
● بهار ۱۳۹۹. چاپ اول ● تیراژ: ۵۰۰ نسخه ● قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان ● چاپ محدود است. ©

● سرشناسه: سلیموویچ، صادق، ۱۹۵۵ - م. Salimović, Sadik. ● عنوان و نام پدیدآور: مارش میرا: جاده مرگ - کثی / صادق سلیموویچ؛ مترجمان مریم رضائیان رامشه، وحید پرست تاش. ● مشخصات نشر: تهران: انتشارات پرنده، ۱۳۹۹. ● مشخصات ظاهری: ۲۱۲ ص؛ ۱۲/۵ × ۲۱/۵ س.م. ● شابک: 978-600-895535-1 ● وضعیت فهرست نویسی: فیبا ● یادداشت: عنوان اصلی: Srebrenica-Tuzla: put smrti: prema istinitim događajima = The road of Death: based on true events, 2008. ● عنوان دیگر: جاده مرگ - زندگی. ● موضوع: داستان های یوسنایی - قرن ۲۰ م. ● موضوع: Bosnian fiction - 20th century ● شناسه افزوده: رضائیان رامشه، مریم، ۱۳۶۱-، مترجم ● شناسه افزوده: پرست تاش، وحید، ۱۳۵۸-، مترجم ● رده بندی کنگره: PG۱۷۴۵ ● رده بندی دیویی: ۸۹۱/۸۴۱۵ ● شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۲۱۶۲۲

● نشانی: تهران. خیابان آیت... طالقانی. خیابان برادران شهید مظفر شمالی. بن بست کیا. پلاک ۷. واحد ۲. تلفن: ۸۸۹۱۰۳۸۱-۲۶. ● وبسایت: www.parandepub.ir ● ایمیل: info@parandepub.ir

مقدمه مترجمان

وقتی محاصره شهر طولانی شد، وقتی غذا کم یاب شد، وقتی صدای خمپاره‌ها لحظه‌ای آرام نمی‌گرفت، وقتی گریه بچه‌ها تمامی نداشت، وقتی دشمن به شهر نزدیک شد، حتی ملای برای دفاع وجود نداشت، وقتی کودکان به آغوش مادرها پناه بردند، وقتی ده‌ها با ناامیدی به آسمان خیره شدند، وقتی سقوط شهر قطعی شد و رسانی به نسلب معنایی جز مرگ نداشت، آنگاه راهی جز پناه بردن به صلح‌بانان سازمان ملل نبود. به سوی آزادی در آن سوی دشمن وجود نداشت. تصمیمی برای مرگ نداشت. این روایت سربرنیتسا است؛ روایتی که هرگز فراموش نمی‌شود!

یکی از وقایع مهم و اثرگذار در جنگ بوسنی و هرزگوین اجرای سربرنیتسا است. در این واقعه بیش از هشت هزار انسان به گناه قتل چند روز قتل عام شدند. تفاوتی نداشت؛ چه افرادی که به صلح‌بانان سازمان ملل اعتماد کردند و چه کسانی که به امید آزادی، فرار کردند! اجساد بسیاری از آن‌ها، گورهای جمعی یافتند. بسیاری از آن‌ها همچنان مفقود هستند. این گناهی است که هرگز بخشیده نمی‌شود!

در مزار پوتوچاری در نزدیکی سربرنیتسا ۸۳۷۲ قبر حفر شده است. هنوز قبرهای خالی زیادی باقی است. مادران جوان سربرنیتسا پیر شدند، فرزندان قربانیان بزرگ شدند، برخی از جنایت‌کاران در دادگاه لاهه محکوم شدند، تلاش‌ها برای به رسمیت شناخته شدن جنایت سربرنیتسا به مثابه نسل‌کشی همچنان در جریان است، اما داغ سربرنیتسا هنوز تازه است. داغی که هرگز سرد نمی‌شود!

جاده مرگ مسیری است که پناه‌جویان بعد از سقوط سربرنیتسا به امید آزادی در آن گام نهاده‌اند ولی بسیاری از آن‌ها هرگز به مقصد نرسیدند! مسیری نامشخص و طولانی در میانه جنگلی انبوه و کوهستان؛ در اوج وحشت در شکارگاه، در انتظار شکارچیان انسان، با نهایت تشنگی و گرسنگی؛ روایتی که هرگز به درستی تصور نمی‌شود!

مسیری که امروز آن را مارش میرا (راهپیمایی زندگی) می‌نامند و هر ساله هزاران نفر به یاد قربانیان سربرنیتسا در آن شرکت می‌کنند، حرکت در جهت خلاف مسیری است که قربانیان در جولای ۱۹۹۵ در آن قرار داشتند و در واقع، پایان «مارش میرا» ابتدای «جاده مرگ» است. جاده‌ای حدوداً به طول صد کیلومتر؛ مسیری به هر تمام نمی‌شود!

این داستان روایتی بر د نای واقعیت از هفت شهروند سربرنیتسا است که به امید نجات بعد از سقوط شهر عام شهر توزلا می‌شوند. مرکی رهبر گروه است و آن‌ها را هدایت می‌کند. موسی تاجری است که تا قبل از جنگ در سراسر یوگسلاوی تجارت کرده است. سیوورد خانواده‌ایست و زن و فرزندانش در ابتدای جنگ به خارج از کشور گریخته‌اند. فاره جاده‌ایست با آرزوهای بزرگ. سالکو یک سیگاری حرفه‌ای است. حمدیا عاشق غذا است و برای جوانی محافظه‌کار است. داستان آهنگی پرشتاب دارد. ضربان قلب هفت شهروند در برخی لحظات احساس خواهید کرد. با ادامه داستان، گذشته‌نمایی‌ها به خاطر کمک می‌کند تا اطلاعات بیشتری از محیط، تاریخ و شرایط کسب کند. زندگی این هفت تن در طول ده روز طی مسیر در جاده مرگ، روایتی است که هیچ روایتی هرگز مشابه آن نمی‌شود!

ماجرای بوسنی و جنگ آن بر کسی پوشیده نیست. بوسنی و هرزگوین برای مردم ایران نیز نامی آشنا است. نامی که با جنگ‌های خونین دهه ۱۹۹۰ میلادی به

رسانه‌های جهان راه یافت و به سرعت به خانه‌های مردم ایران رسید. جنایت‌های وسیعی در این کشور کوچک رخ داد و ابراز هم‌دردی گسترده، کمک‌های مادی و معنوی، حمایت‌های دیپلماتیک و سیاسی تنها بخشی از پاسخ ملت ایران به فریاد مردم مظلوم بوسنی بود و نام چهار شهید ایرانی^۱ در کشور بوسنی نوری است که هرگز خاشاک نمی‌شود!

ترجمه این کتاب به زبان فارسی را به خواست مادر منیرا سوباشیچ رئیس انجمن مدرسه سربرنیتسا و ژپا آغاز کردیم. با آقای صادق سلیموویچ نویسنده کتاب گفتگو کردیم و تصمیم به ترجمه کتاب از زبان انگلیسی گرفتیم. کتاب حاضر از جمله آثار است که در دوره بیان واقعیت‌های سربرنیتسا موفقیت‌های زیادی کسب کرده و به زبان‌های متعددی ترجمه شده است. بعد از انتشار این کتاب بود که نام جاده مرگ بر زبان‌ها افتاد.

امیدواریم که این کتاب فراتر از یک کتاب به مثابه مقدمه‌ای برای آشنایی بیشتر با واقعیت‌های رخ داده برای مردم مظلوم کشور بوسنی و هرزگوین مورد توجه قرار گیرد؛ مقدمه‌ای که هرگز کامل نمی‌شود.

وحید پرست تاش - مریم رضاییان

۱. امنیت و آسایش مردم بوسنی و هرزگوین مرهون تلاش‌ها و ایثارگری هزاران شهید مظلوم بوسنیایی و غیور مردانی همچون شهید رسول جیدری، شهید محمد حسین نواب، شهید بهنام نیکنام و شهید عبدالله کلاشک است که در شرایط سخت برای تحقق صلح در این کشور جان خود را نثار کردند.